

چاوش خوان، و آوای مرگ جمهوری اسلامی!

تقی روزه

گرچه گنبدی یک نظام حکومتی، عینا معادل گنبدی جامعہ نیست، اما درعین حال این هم واقعیتی است که اگر رابطه یک عضو گنبدی و مرده، از اندام زنده جامعہ قطع نشود، کل اندام هیچگاه روی آسایش و راحتی به خود نخواهد دید. این آن پیامی است که شنیدن آوای مرگ جمهوری اسلامی با خود همراه دارد، برای دفن مرده ای که دفنش به تأخیر افتاده باید شتاب بیشتری کرد!

اگر کسی می خواهد طنین آوای مرگ جمهوری اسلامی را از منظر پوزیسیون نظام هم بشنود، آوایی که از دیرباز توسط اپوزیسیون ساختار شکن نظام سرداده می شده است، کلیپ کوتاه نوری زاد باشاه بیت "ما آدم کشته ایم، ما آدم کشته ایم"، نمونه بارزی از آن است.

این کلیب فریاد فریب خوردگی مردی است که با عشق و ایمان به نظام اسلامی شروع کرد و تمامی توانانی و خلاقیتش را در خدمت آن بکار گرفت، اما جز فساد و انحطاط روز افزون چیزی ندید و نیافت. هرچه دوید و دوید، هرچه نصیحت کرد و هشدار داد و هرچه خود را به آب و آتش زد و از رهبری تا مراجع و تا "سپاهیان شرافتمند" را مورد خطاب و عتاب قرارداد، بیشتر دریافت که درب ناشنویان را می کوبد. فهمید که جز بدنبال سراب و سایه ای گریزان روان نیست. او که در این سیر و سلوک و گشت و گذار طولانی از جبهه تا معاشرت با سپاهیان و اطلاعاتی ها و همکاری با تلویزیون و رسانه ها را آزمود، سرانجام با مشاهده جنایت هائی چون کهریزک و مشاهده گوشه ای از عملکرد ددمنشانه رژیم در پشت حصار بازداشتگاه ها و آگاه شدن از برخی آدم کشی های رژیم (از جمله اعتراف مأمور اطلاعاتی همکاریش در حوزہ فیلم، پیرامون چگونگی بریدن سر شاپور بختیار)، اکنون مدتی است که "هوائی شده" و هم چون چاوش خوان ها، فریاد "انقلابی که بدان خیانت شد" را سرداده است. گویانکه مرگ این شبه ستاره ای که او از آن سخن می گوید، سه دهه پیش در همان شب زایش خود اتفاق افتاد و او با فاصله ای چندین دهه آن را دریافت کرده است. با این همه، از آن جهت اهمیت دارد که بطور روشن گوشه ای از فرایند فروپاشی بقایای پایگاه حمایتی رژیم را در معرض دید عموم

قرار می دهد.

در تحقیقت جمهوری اسلامی با شاخص های اصلی زمانه ما و علائم حیات یک نظام از مدتها پیش مرده است، منتها مرده ای که دفن کننده ندارد و ظاهرا تا بطور کامل ننگدد و فسادش تنفس را بر همگان غیر قابل تحمل نکند و مشام همه را نیازارد، اراده معطوف به دفنش فراهم نمی شود.

حتی اگر نه از منظر نابهنگامی تاریخی، بلکه از منظر تجربی و باصطلاح پراگماتیستی هم به واقعیت حکومت اسلامی بنگریم، به مثابه یک نظام وسیستمی که خواه ناخواه تولد جوانی و میانه سالی و مرگ دارد، اکنون دیگر دیری است با استناد به شاخص های عینی و قابل رؤیت، وارد فاز انحطاط و گنبدیدگی کامل خود شده است. تمامی علائم بارز گنبدیدگی هم چون، خشکیدن پایگاه مردمی و قرار گرفتن نهاد های نظامی و ارگانهای سرکوب به مثابه تکیه گاه اصلی رژیم، فربه گی در بار ولایت فقیه و ولایت مطلقه که جز اقتدار کامل خود را برسمیت نمی شناسد، خوره خود خوری و شکافهای بی پایان درونی، اقتصادرانتی و غیرمولد، زیر زمینی، ورشکسته و تا بن استخوان فاسد، افزایش هولناک شکاف های طبقاتی، میلیتاریزم و دخیل بستن به حبل المتین اقتدار هسته ای با هزینه های ده ها میلیاردی، مالیخولیای تولید علوم اسلامی و دهها نشانه بارز دیگر، همه و همه بیانگر گنبدیدگی تمام عیار جمهوری اسلامی است.

اگر مسامحتا برای برآمد هر حکومتی انجام یک رسالت و وظیفه تاریخی را قائل باشیم، رسالتی که می آید تا آن را تحقق بخشد، این وظیفه-گیرم بطور وارونه و به شکل طنز تاریخی - برای جمهوری اسلامی چیزی جز دین زدائی- در معنای روبیدن اسلام سیاسی و مدعی تصرف قدرت و نجات بشر- نبوده است! این واقعیت در ترنم چاووش خوان مرگ جمهوری اسلامی این گونه بیان می شود:

" ما باید قبول کنیم که شکست خورده ایم؛ و برای اینکه این تئمه به گرایش دینی، باقی بماند، باید بپذیریم که گزینه ای هستیم در کنار سایر گزینه ها. باید ما مردم را باور کنیم و گرایشات فکری و اعتقادی آنها را به رسمیت بشناسیم. باید در کنار سایر نحله های فکری و اعتقادی و گرایشات سیاسی قرار بگیریم و یکی از آنها بشویم" مدت ها است که فصل ورشکستگی ما فرا رسیده و فصل خدا حافظی ما؛ خدا حافظ آرزوهای به خاک افتاده انقلاب!

ما نشان دادیم که دینداران و روحانیان، اگر بر مسند قدرت بنشینند، می توانند دروغ بگویند؛ می توانند ظلم کنند؛ می توانند غارت

کنند؛ می‌توانند آدم بکشند.

ما دروغ گفتیم؛ ما فریب دادیم؛ ما برای حفظ قدرت، چه شررها کرده‌ایم!

ما غارت کردیم! ما آدم کشتیم! ما آدم کشته‌ایم! “

گرچه گنبدی‌گی یک نظام حکومتی، عینا معادل گنبدی‌گی جامعه نیست، اما درعین حال این هم واقعیتی است که اگر رابطه یک عضوگنبدی‌ده و مرده، از اندام زنده جامعه قطع نشود، کل اندام هیچگاه روی آسایش و راحتی به خود نخواهد دید. این آن پیامی است که شنیدن آوای مرگ جمهوری اسلامی با خود همراه دارد، برای دفن مرده ای که دفنش به تأخیر افتاده باید شتاب بیشتری کرد!.

۲۱-۰۲-۱۳۹۱ ۲۰۱۲-۰۵-۱۱

[/http://www.taghi-roozbeh.blogspot.de](http://www.taghi-roozbeh.blogspot.de)

*- کلیپ نوری زاد:

http://www.youtube.com/watch?v=۳wIcG-zH۸۳w&feature=player_embedded